

## مقایسه رویکردهای توسعه پایدار در ایران و سایر کشورها

تکنم مکی<sup>۱</sup>، سمیه سادات علویان پطروودی<sup>۱</sup>، مرضیه اسدی آقبلاغی<sup>۱</sup>،  
هلن اقصایی<sup>۱</sup>، سید حسین هاشمی<sup>۲\*</sup>

۱ دانشجویان دکتری محیط زیست، پژوهشکده علوم محیطی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران  
۲ دانشیار گروه آلاینده‌های محیط زیست، پژوهشکده علوم محیطی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۱۱؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۰۳/۱۹)

### چکیده

توسعه فرایند گذار از وضع موجود به وضع مطلوب در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. موضوع توسعه پایدار در حال حاضر به عنوان یکی از مباحث اساسی در جهان مطرح شده و مفاهیم و موضوعات مرتبط با این رویکرد به صورت مستمر در حال تکوین و تکامل است. یکی از موارد مهم و قابل توجه مدیران و پژوهشگران، کمی کردن میزان رشد یک کشور در ارتباط با توسعه پایدار است که معمولاً با تدوین شاخص‌های مختلف محقق می‌شود. در تحقیق حاضر نیز نتایج بررسی وضعیت توسعه پایدار در ایران به لحاظ شاخص‌های مورد مطالعه، نشان‌دهنده جایگاه نامناسب ایران در مقایسه با کشورهای توسعه یافته بالاخص از نظر شاخص‌های خوشبختی، شکاف جنسیتی و پایداری محیط‌زیست است. در پایان نقش طبیعت و مردم به عنوان دو بازیگر کلیدی توسعه مطرح می‌شود که باید توسط دولت‌ها به صورت واقعی و نه صوری و مصلحتی در امر توسعه لحاظ شوند. بنابراین، نهادسازی مدنی برای توسعه در ایران راهی برای رهایی از بی‌سامانی‌های هرج و مرج گونه کنونی کشور پیشنهاد شده است.

**کلید واژه‌ها:** توسعه پایدار، شاخص، ایران، مقایسه، سایر کشورها

## سرآغاز

در دو دهه اخیر همزمان با افزایش روند توجه به مبحث توسعه پایدار مفاهیم متفاوتی از توسعه پایدار نیز شکل گرفت (Ng & Wills, 2006) یکی از معروف‌ترین تعاریف مطرح شده مربوط به گزارش برانت لند تحت عنوان «آینده مشترک ما» می‌باشد که بر اساس این تعریف، توسعه پایدار عبارت است از توسعه‌ای که نیازهای نسل‌های کنونی جهان را تامین نماید، بدون این که توانایی نسل‌های آینده را در بر آوردن نیازهای خود به مخاطره افکند (UNDP, 1997).

به طور کلی افزایش رفاه لزوماً به معنای توسعه پایدار نیست و توسعه پایدار لزوماً به معنای افزایش رفاه نیست (Ng & Wills, 2006). یکی از موارد مهم و قابل توجه مدیران و پژوهشگران، کمی کردن میزان رشد یک کشور در ارتباط با توسعه پایدار می‌باشد که معمولاً با تدوین شاخص‌های مختلف این امر صورت می‌گیرد. شاخص‌ها یا معیارها در واقع برای ساده سازی و تلفیق چندین پارامتر موثر در یک موضوع بکار می‌روند. شاخص‌ها به تعیین مسیر حرکت یک کشور در راستای نیل به توسعه پایدار کمک می‌کنند. اولین بار در اجلاس سران در سال ۱۹۹۲ و دستور کار ۲۱ بر توسعه شاخص‌های پایداری تاکید شد که به دنبال آن کمیسیون توسعه پایدار به منظور تدوین این شاخص‌ها تشکیل شد که همچنان شاهد تدوین و شکل‌گیری شاخص‌های جدید می‌باشیم. در تحقیق حاضر نیز با کمک برخی از شاخص‌های توسعه پایدار جایگاه ایران در مقایسه با سایر کشورها مورد بررسی قرار گرفت. شاخص‌های مورد بررسی عبارتند از:

### ۱) شاخص خوشبختی (E)<sup>(۱)</sup>

شاخص خوشبختی بر اساس زیر شاخص‌های وضعیت اقتصادی، کارآفرینی، فرصت‌های پیشرفت اقتصادی برای شهروندان، وضعیت حکومت و مشارکت شهروندان در نظام حاکم، آموزش، سلامت، ایمنی و امنیت، آزادی‌های فردی و سرمایه‌های اجتماعی شهروندان تعیین می‌شود (شرزه‌ای و محقق، ۱۳۹۰).

### ۲) شاخص توسعه انسانی (HDI)<sup>(۲)</sup>

این شاخص برای نخستین بار توسط دیوید موریس در سال ۱۹۷۷ میلادی به صورت مشخصه‌های مجزای از یکدیگر در طرحی تحقیقاتی با عنوان «شاخص فیزیکی - کیفی زندگی»

مطرح شد. این شاخص رقمی بین صفر تا یک (بالاترین ارزش ممکن نمره یک و کمترین ارزش نمره صفر می‌گیرد) است و علیرغم نواقص (فنی، ۱۳۸۲) امتیازاتی نیز دارد که از جمله می‌توان سهولت درک آن و فراهم کردن یک مقیاس برجسته در مدت زمان مشخص برای ارزیابی و برنامه ریزی کلان هر کشور را نام برد.

این شاخص با استفاده از سه متغیر اندازه‌گیری می‌شود:

- در آمد که توسط در آمد ناخالص ملی به ازای هر نفر تعیین می‌شود.
- سطح آگاهی و سواد که توسط میزان سواد بزرگسالان، به ویژه زنان اندازه‌گیری می‌شود و به تبع میزان علاقمندی و گرایش کودکان را به سوادآموزی نشان می‌دهد.
- طول عمر که از راه میزان امید به زندگی از ابتدای تولد افراد اندازه‌گیری می‌شود.

### ۳) شاخص توسعه جنسیتی (GDI)<sup>(۳)</sup>

این شاخص بر پایه سطوح استخدام یا اشتغال، نرخ دستمزدها، سواد بزرگسالان یا تعداد سال‌هایی که به مدرسه رفته‌اند و میزان امید به زندگی قرار دارد و بطور رسمی توسط برنامه توسعه سازمان ملل برای سنجش وضعیت زنان جوامع بوجود آمد. مقدار پایین GDI نشان دهنده‌ی آن است که یا توسعه‌ی انسانی برای هر دو جنس زن و مرد پایین است و یا در مقایسه با HDI، هرچه مقدار آن کمتر باشد نشان دهنده‌ی شکاف و نابرابری بیشتر بین مردان و زنان است (UNDP, 1995). مقدار این شاخص همچون HDI بین صفر و یک است که هر چه به یک نزدیک‌تر باشد برابری بیشتر میان زن و مرد در زمینه‌ی توسعه انسانی را نشان می‌دهد.

### ۴) شاخص تولید ناخالص داخلی (GDP)<sup>(۴)</sup>

عبارت است از ارزش کل پولی تمام تولیدات در محدوده یک کشور در طی یک سال، صرف نظر از این که تولیدکننده ملیت آن کشور را داشته یا نداشته باشد (World bank, 2015).

### ۵) شاخص شکاف جنسیتی (Global Gender Gap Index)<sup>(۵)</sup>

شاخص شکاف جنسیتی از جدیدترین شاخص‌های سنجش میزان نابرابری بر اساس جنسیت می‌باشد که از سال ۲۰۰۶ توسط مجمع جهانی اقتصاد معرفی شده است. این شاخص، فاصله بین مردان و زنان را در چهار بعد اساسی (سلامت و بقاء، دستیابی آموزشی، مشارکت اقتصادی، و توانمندسازی سیاسی)

می‌دهد. هدف اصلی طرح این شاخص، ارائه روشی سریع و استاندارد برای تعیین آسیب‌پذیری کشورها در کلیه حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی و شناسایی و اولویت‌بندی مهمترین اقداماتی است که باید در هر یک از این حوزه‌ها برای دستیابی به توسعه پایدار انجام داد (Environmental Vulnerability Index, 2005).

### روش تحقیق

مطالعه حاضر بر اساس رویکرد تحلیلی می‌باشد و برای انجام پژوهش از شیوه گردآوری اطلاعات و داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است.

### یافته‌ها

دغدغه توسعه در پارادایم جدید، خوشبختی چندجانبه نسل بشر است. بر این مبنا تولید ناخالص ملی سرانه بالا لزوماً نشانه خوشبختی مردم یک جامعه نیست؛ چرا که معیارهای دیگری نیز در این بین تأثیرگذارند که تولید ناخالص ملی، آن‌ها را پوشش نمی‌دهد. معیارهای اقتصادی تنها نماینده بخشی از نیازهای نسل بشر است، درحالی که نیازهای دیگری نیز وجود دارند که حداقل در دیدگاه نخست، همگون با دغدغه‌های اقتصادی به نظر نمی‌رسند. برای مثال سازمان ملل متحد برای سنجش میزان توسعه یافتگی از یک شاخص ترکیبی به نام «شاخص توسعه انسانی» استفاده می‌کند. این شاخص ترکیبی، یک میانگین ساده از سه شاخص بیان‌کننده موفقیت‌های یک کشور در بهداشت و سلامتی - که با امید به زندگی در هنگام تولد سنجیده می‌شود، آموزش - که سواد خواندن و نوشتن بزرگسالان جامعه و میزان ثبت نام در مقاطع ابتدایی، متوسطه و عالی را در بر می‌گیرد، و استانداردهای زندگی - که در قالب درآمد سرانه بر حسب قدرت خرید تعادلی و بیان می‌شود است (UNDP, 2005). اهمیت موضوع آن است که رتبه توسعه یافتگی کشورها بسته به آن که صرفاً از شاخص‌های اقتصادی (نظیر تولید ناخالص ملی) یا شاخص‌های ترکیبی استفاده شود نتایج مختلفی را به دنبال دارد. برای مثال کشورهای عربستان، تایلند، ویتنام، و گواتمالا با درآمد ملی سرانه متفاوت دارای شاخص توسعه انسانی تقریباً یکسانی هستند. تفسیر این اختلاف چنین است که برای مثال ویتنام بسیار بهتر از عربستان توانسته است منافع حاصل از درآمد و رشد اقتصادی خود را به صورت افزایش کیفیت زندگی مردمان

بررسی می‌کند و چارچوبی برای سنجش میزان نابرابری براساس جنسیت و تحولات آن در طول زمان بشمار می‌آید. این شاخص کشورها را بر اساس ارزش صفر تا یک، یعنی از تبعیض کامل تا برابری کامل رتبه بندی کرده است.

۶) جای پای بوم‌شناختی (EF) (۶) و مزاد ظرفیت تولید طبیعی سرزمین (SB) (۷)

Wakarnagel و Rees برای نخستین بار معیار جای پای بوم‌شناختی را مطرح کردند (Wakarnagel & Rees, 1996). جای پای بوم‌شناختی نوعی ابزار حسابداری است که به منظور برآورد و اندازه‌گیری مصرف منابع و جذب آلاینده‌ها برای جمعیت، یا اقتصاد استفاده می‌شود و براساس تبدیل آن‌ها به اراضی بارور محاسبه می‌شود. این مفهوم که به موضوع مقایسه پایداری در بین کشورها تبدیل شده است، آثار و پیامدهای جوامع، مناطق مختلف، کشورها و افراد را بر محیط‌زیست با تبدیل آن‌ها به اراضی مورد نیاز برای تولید نیازهای اساسی و جذب آلاینده‌ها، مقایسه می‌کند. به عبارت دیگر جای پای بوم‌شناختی شیوه زندگی انسان‌ها را با پیامدهای محیط‌زیست مرتبط می‌سازد. البته این محاسبات به میزان اطلاعات و دقت آن‌ها، شاخص تبدیل، مساحت اراضی کشاورزی، سطح اراضی جنگلی و سایر منابع طبیعی بستگی دارد. جای پای اکولوژیکی به میزان مصرف و همچنین به تولید ضایعات بستگی دارد (Haris, 2004).

۷) شاخص پایداری محیط‌زیست (ESI) (۸)

شاخص پایداری محیط‌زیست (ESI) توانایی و قابلیت‌های ملت‌ها را برای حمایت از محیط‌زیست در چندین دهه آینده ارزیابی می‌کند (پوراصغر سنگاچین، ۱۳۸۹).

۸) شاخص عملکرد محیط‌زیست (EPI) (۹)

شاخص عملکرد محیط‌زیست (EPI)، به عنوان مکمل شاخص پایداری محیط‌زیست (ESI) را دانشگاه ییل و مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۰۶ منتشر کرده است. این شاخص بر ابعاد پایداری محیط‌زیست تأکید داشته و عملکرد سیاست‌ها و برنامه‌های کشورها را در زمینه کاهش معضلات محیط‌زیستی و حفاظت از محیط‌زیست و مدیریت منابع طبیعی مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد (Pilot, 2006).

۹) شاخص آسیب‌پذیری محیط‌زیست (EVI) (۱۰)

شاخص آسیب‌پذیری محیط‌زیست (EVI)، شاخص عددی بدون بعد است که وضعیت آسیب‌پذیری محیط‌زیست کشورها را نشان

کشورش تبدیل کند.

از دیگر شاخص‌های ترکیبی مطرح برای سنجش توسعه در پارادایم جدید می‌توان به «الماس توسعه» اشاره داشت. این الماس چهار شاخص اجتماعی و اقتصادی را در مورد هر کشور به تصویر می‌کشد. بانک جهانی ترکیب این چهار شاخص را با مقدار متوسط آن‌ها در کشورهای همگروه درآمدی (کشورهای کم درآمد، درآمد متوسط، و درآمد بالا) مقایسه می‌کند. امید به زندگی در هنگام تولد، ثبت نام در مقاطع تحصیلی (مقدماتی یا متوسطه)، دسترسی به آب سالم، و درآمد سرانه، چهار شاخصی است که در هر یک از محورهای الماس نشان داده می‌شوند.

بر اساس چنین دیدگاه‌هایی طرفداران توسعه پایدار معتقدند پاسخگویی به نیازهای آتی، وابسته به تعقیب اهداف متوازن اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی در توسعه است. هر چند بسیاری از این اهداف در کوتاه مدت متعارض با هم به نظر می‌رسند، اما در بلندمدت سبب تقویت یکدیگر می‌شوند. گو این که رشد اقتصادی، برای آن که پایدار بماند، باید بر حجم مشخصی از منابع و خدمات طبیعی، نظیر جذب آلودگی‌ها و بازتولید منابع، متکی باشد؛ بنابراین استفاده مسؤولانه از منابع محیط زیستی سبب می‌شود تا منابع لازم برای رشد اقتصادی جوامع آینده باقی بماند و چنین رویکردی پایداری توسعه را در درازمدت رقم خواهد زد. بدین ترتیب توسعه‌ای پایدار تلقی می‌شود که خواسته‌های ذینفعان مختلفی را از نسل حاضر و نسل‌های آینده برآورده سازد، و این مهم را همزمان در سه حوزه اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی محقق کند (United Nations, 2006).

با این رویکرد بر اساس شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آنچه مفروض ماست توسعه نیافتگی ایران در مقایسه با پیشرفت‌های تمدن جدید بشری است. موضوع بعدی دلایل این توسعه نیافتگی است. مهمتر آن که برای جبران این توسعه نیافتگی چه باید کرد؟ و یا به عبارتی راه برون رفت از این وضعیت کدام است؟ نظریه‌ای که مبنای این نوشتار می‌باشد این است که علت اولیه توسعه نیافتگی داخلی است و علت توسعه نیافتگی به چگونگی روابط و مناسبات حاکم بر نظام بین‌المللی ارتباط پیدا می‌کند. این نظریه با رویکردی اثباتی و نه سلبی توسعه یافتگی کشوری چون ایران را در گرو سه مثلث نظام تدبیر، مثلث سرمایه‌ها و مثلث تمرکز زدایی می‌داند (سلیمان پور، ۱۳۸۵).

با این رویکرد هرم توسعه مرکب از سه مثلث و نه ضلع شکل خواهد گرفت. ارتباط این عوامل نه تنها به صورت همبستگی مکانیکی بلکه دارای پیوستگی ارگانیکی می‌باشد. به عبارتی مجموعه این عناصر به مثابه اعضاء و جوارح یک موجود زنده است که بدون یکی، دیگری نیز به صورت نهادمند نمی‌تواند وظیفه و کارکرد خود را به نحو مطلوبی به انجام برساند و باعث رشد و پویایی و تداوم توسعه شود. به بیان دیگر فرایند توسعه پایدار زمانی شکل گرفته و به پیش خواهد رفت که تمامی این عناصر و عوامل در تعامل با یکدیگر کارکرد خود را به نحو مطلوب و موثری به انجام برسانند (بهرامی پناه و همکاران، ۱۳۹۰؛ برارپور، ۱۳۸۵؛ سریع القلم و همکاران، ۱۳۹۲).

بررسی اسناد و مدارک مرتبط با آمایش سرزمین در دهه‌های گذشته حاکی از این است که هنوز مدل‌های مناسبی برای آمایش سرزمین در کشور وجود ندارد. به عبارت دیگر هنوز مفروضات و پیش فرض‌های مناسب برای مکانیابی فعالیت‌های عمرانی تدوین نشده است. به عنوان مثال هنوز مشخص نیست که کشور به چه تعداد بندر در شمال کشور نیاز دارد. آیا تعداد بنادر احداث شده قادر در شمال کشور قادر به پاسخگویی به نیازهای کشور هستند یا خیر؟ نبود این مفروضات و ضوابط که بتواند در قالب یک مدل، کلیه مولفه‌های اقتصادی، اجتماعی، آمایشی و محیط زیستی را در خود جای دهد، باعث شده است تا مکانیابی فعالیت‌ها در پهنه سرزمین از توجهیاتی علمی مناسبی برخوردار نباشند (نبوی، ۱۳۹۰).

برنامه‌ریزی آمایش سرزمین به معنی تنظیم روابط و کنش‌های متقابل انسان، محیط زیست و فعالیت برای بهره‌مندی بهینه و پایدار از منابع سرزمینی است. به عبارت دیگر مدیران جامعه باید چنان استفاده‌ای از سرزمین به عمل آورند که ویژگی‌های طبیعی سرزمین اقتضا می‌کند و نیازهای اقتصادی و اجتماعی را با این ویژگی وفق دهند (وردی نژاد و کریمی آشتیانی، ۱۳۸۷).

یکی از پرسش‌های اساسی در ارتباط با آمایش سرزمین این است که به چه کار ما می‌آید یعنی در شرایطی که محیط زیست با مسائلی مانند مدیریت فاجعه بار آب، برداشت اضافه و بی‌رویه از منابع آبی، پایین رفتن سفره‌های آب زیرزمینی، خشک شدن رودخانه‌ها و تالاب‌ها، فرسایش خاک، تخریب جنگل‌ها، آلودگی رودها و دریاها و هوا مواجه است و مسائلی مانند بیکاری، افزایش مهاجرت به مراکز شهرها و حاشیه نشینی، بزهکاری و اعتیاد، زمین خواری و فساد اقتصادی، فرار مغزها و ... گریبانگیر جامعه

کشورهای عربستان، سوریه، پاکستان و یمن بهتر می‌باشد. این شاخص از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ با رشد ۲/۱۴ درصد در کشور رو به رو بوده، در صورتی که کشورهای عربستان و یمن در این بازه زمانی رشدی در حدود ۱۰ درصد را داشته‌اند که امکان ارتقای رتبه نسبت به ایران را در سال‌های آتی خواهند داشت.

بررسی رد پای اکولوژیکی کشورها نشان می‌دهد که کشور آمریکا دارای بالاترین رد پای اکولوژیکی در بین سایر کشورهاست. پیش‌بینی تغییرات رد پای اکولوژیکی در سال ۲۰۱۵ نشان داد که تمامی ۱۵ کشور دارای بیشترین رد پای اکولوژیکی با افزایش میزان عددی این شاخص رو به رو خواهند بود، به غیر از کشور روسیه که میزان رد پای اکولوژیکی آن کاهش خواهد یافت (National Footprint Accounts, 2016).

ایران از لحاظ شاخص پایداری محیط زیست در سال ۲۰۰۶ در رتبه ۱۳۲ جهان قرار گرفته است که نشان دهنده وضعیت نامناسب این کشور از لحاظ پایداری محیط زیست می‌باشد که مهمترین دلایل این امر را می‌توان عدم استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی و افزایش فشارهای وارده بر محیط زیست ناشی از سوء مدیریت دانست.

ایران از لحاظ شاخص عملکرد محیط زیستی در سال ۲۰۰۶ دارای رتبه ۵۳ بوده که در وضعیت بهتری نسبت به کشورهایمانند عربستان، هند، عراق، آذربایجان و ... قرار گرفته است. کشورهای نیوزلند، سوئد، فنلاند، چک، بریتانیا، اتریش، دانمارک، کانادا، ایرلند و مالزی جزء ۱۰ کشور برتر از لحاظ این شاخص می‌باشند.

رتبه ایران به لحاظ شاخص آسیب‌پذیری محیط زیستی در سال ۲۰۰۴ برابر با مقدار ۳۱۳ بوده که ایران را در طبقه آسیب‌پذیر قرار می‌دهد. بهترین وضعیت محیط زیست مربوط به کشورهای جهان سوم مانند نیجریه، زامبیا، لامبیا، مغولستان و غیره می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

با توجه به این که مجلس‌ها و دولت‌های ایران، کمابیش ۷۰ سال تجربه ناموفق در زمینه برنامه‌ریزی داشته‌اند، بنابراین آن‌ها نمی‌توانند به عنوان تنها بازیگر توسعه قلمداد شوند. طبیعت و مردم به عنوان دو بازیگر کلیدی توسعه باید توسط دولت‌ها به صورت واقعی و نه صوری و مصلحتی در امر توسعه وارد شوند.

است. به هر حال آمایش می‌خواهد با در نظر گرفتن جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، انسانی و طبیعی و جغرافیایی و همچنین ضرورت‌ها، امکانات و محدودیت‌ها راه نشان دهد و مسیر توسعه و پیشرفت پایدار را ترسیم کند. اگر آمایش انجام شود با اقتصاد سبز و توسعه پایدار می‌توان بدون ایجاد آلودگی صنعتی شد و بدون تخریب طبیعت اشتغال ایجاد کرد، رودخانه‌ها و تالاب‌ها و جنگل‌ها را نیز حفظ کرد پس آمایش می‌تواند نجات بخش باشد. شاخص خوشبختی در ایران در سال ۲۰۱۵ به رتبه ۱۰۶ سقوط کرده است، که نشان می‌دهد وضعیت نامناسب ایران نسبت به کشورهای توسعه‌نیافته‌ی آسیایی مانند بنگلادش (با شاخص ۱۰۳) و لاتوس (با شاخص ۹۵) و کشورهای جنگ‌زده‌ی آفریقایی مانند رواندا (با شاخص ۱۰۱) می‌باشد. گفتنی است کشورهای نروژ، سوئیس، دانمارک، نیوزیلند، سوئد، کانادا، استرالیا، هلند، فنلاند و ایرلند به ترتیب در رتبه‌های ۱ تا ۱۰ شاخص خوشبختی قرار گرفته‌اند.

ایران از لحاظ شاخص توسعه انسانی در سال ۲۰۱۵ دارای رتبه ۶۹ در مقایسه با سایر کشورهای جهان می‌باشد. این شاخص از سال ۱۹۹۳ تا کنون روند صعودی با شیب ملایم داشته است. امریکای شمالی و استرالیا دارای شاخص توسعه انسانی بالاتر از ۸۵ درصد هستند که جزء کشورهای با وضعیت مطلوب محسوب می‌شوند، اما کشورهای قاره آفریقا دارای بدترین وضعیت به لحاظ این شاخص بوده و دارای مقدار ۱۵ تا ۳۹ درصد می‌باشند و ایران دارای وضعیتی میانه با مقدار عددی ۴۵ درصد می‌باشد (Human Development Report, 2015).

شاخص جنسیتی در ایران نشان‌دهنده شکاف و نابرابری جنسیتی می‌باشد، به نحوی که مقدار این شاخص برای زنان ۰/۶۸ و برای مردان ۰/۸ می‌باشد، که منجر به شاخص توسعه جنسیتی برابر با ۰/۸۵۸ شده است.

بر اساس گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۵، کشورهای خاورمیانه (از جمله ایران) و شمال آفریقا بیشترین کاهش GDP را از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ نشان دادند (بعد از بحران اقتصادی جهانی) و اقتصادهای نوظهور مانند چین دارای نرخ بالای GDP می‌باشند.

ایران از لحاظ شاخص شکاف جنسیتی دارای رتبه ۱۳۷ در سال ۲۰۱۴ بوده است. به طوری که وضعیت این شاخص از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ روند صعودی داشته، اما از ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۵ با ۴ رتبه نزول به رتبه ۱۴۱ رسیده است. وضعیت ایران تنها از

۴. تخصیص بهینه منابع در جهت توسعه کشور و منافع ملی (نه مسیرهایی که رابطه آن‌ها با منافع ملی و توسعه کشور مشخص نیست).

۵. جریان آزاد اطلاعات و وجود شفافیت بیشینه بین اطلاعات و توسعه.

۶. وجود رابطه روان بین علم، کنترل و تولید (سه وجه مدیریت توسعه).

۷. بوروکراسی روان و کارآمد اداری در دستگاه‌ها با کمترین اتلاف در زمان و کمترین فرسایش در ظرفیت تحمل مردم.

۸. تامین امنیت ملی اعم از امنیت اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیستی با محور قرار دادن توسعه کشور و منافع ملی (و نه چیز دیگر) در متن و (نه حاشیه ای) سیاست‌های امنیتی.

۹. سیاست خارجه بی‌تنش و توسعه‌گرا (نه تحریم ساز). در عرصه سیاسی ما، دو جریان غیر توسعه‌گرای اصولگرا و اصلاح طلب دو جناح اصلی می‌باشند و جریان غیر توسعه‌گرای اعتدال یا جناح تدبیر (که همان سازندگی است) نمی‌تواند به عنوان جریان یا جناح سوم مطرح باشد و دو جریان دیگر از بازیگران آن جناح، به عنوان بازیگران واسطه یا کارگزار در جهت منافع سیاسی خود (و گاهی در جهت منافع ملی) بهره می‌برند.

در مقابل دولت‌های توسعه‌گرا، دولت‌ها و مجلس‌های غیر توسعه‌گرا از جمله کشور ایران، هشت بازی خطرناک زیر را برای بازی نگرفتن مردم و طبیعت در دستور کار خود قرار داده‌اند:

بر باددهی<sup>(۱۱)</sup> و تباه‌گری<sup>(۱۲)</sup> در حوزه سرمایه‌های فکری (هوش‌های ناب و ژن‌های برتر)، ائتلاف‌گری در حوزه سرمایه‌های نامشهودی چون زمان و ظرفیت تحمل طبیعت و مردم، کاهندگی در حوزه سرمایه‌های اجتماعی (مثل اعتماد متقابل و تشخیص فرهنگی)، جرزنی در حوزه فرایندهای انتخاباتی و حذف‌گری در حوزه سرمایه‌های سیاسی و تخصیص نامفهوم منابع ملی برای جریان‌های سیاسی منطقه‌ای نامرتبط با توسعه ایران و منافع ملی در حوزه سیاست خارجه، فرسایش‌گری در حوزه سرمایه‌های فیزیکی و زیربنایی، یغماگری<sup>(۱۳)</sup> در حوزه سرمایه‌های اقتصادی، تهی‌سازی، تخریب‌گری و میراگری در حوزه سرمایه‌های طبیعی و میراث با ارزش<sup>(۱۴)</sup>، و تمهیدگری برای بازیگران و کارگردانان سیستم تاراج در حوزه مدیریت کلان.

از سوی دیگر طبیعت نیز به عنوان بازیگر، طبق مدل چرخ و فلک در پاسخ به استراتژی و رفتارهای تهی ساز، تخریب ساز و

لذا می‌توان گفت نهادسازی مدنی برای توسعه در ایران تنها راه برای رهایی از بی‌سامانی‌های هرج و مرج گونه کنونی کشور است. برای این منظور ابتدا نیاز است شرایط زمان-مکان (اقلیم) و زمینه پایه‌ای را که در طول زمان سبب ایجاد ساختارهای سیستمی ناکارآمد و سپس تولید و باز تولید باورهای ضعیف، ارزش‌های منفی، هنجارهای نادرست و رفتارهای غلط در جامعه ایران شده است را شناسایی و سپس مسائل مرتبط با آن را مدلسازی نماییم (حیدری، ۱۳۹۵؛ سریع‌القلم و همکاران، ۱۳۹۲).

اقلیم کم آب ایران به همراه پیش زمینه‌های تاریخی و فرهنگی ایرانیان، در طول زمان شرایطی را به وجود آورده که بر اساس مبانی پویایی‌شناسی سیستم، این شرایط زمان-مکان (اقلیم)-زمینه پایه سبب ایجاد ساختارهای سیستمی ناکارآمدی شده که در گذر زمان سبب تولید مزاج، خلیات، باورهای ضعیف، ارزش‌های منفی، هنجارهای نادرست و رفتارهای غلط در جامعه ایران شده است. این باورها، ارزش‌ها و هنجارهای نامطلوب نیز در پویایی بازگشتی و در سیکل‌های ترکیبی بعدی، سبب باز تولید شرایط (زمان-مکان یا اقلیم و زمینه پایه) نوپدید و سپس ساختارها و رفتارهای ناکارآمد قوی‌تر می‌شود که در نهایت این چرخه تقویت کننده رشد منفی با بازخورد مثبت و بهره کوچکتر از یک منجر به ناپایداری توسعه در ایران می‌شود. نکته قابل توجه آن است که در هر سیکل تکرار، آهنگ یا سرعت تغییرات نامطلوب به عنوان یک کلان سیستم بیش از پیش و بهره وری جامعه نیز کمتر از قبل می‌شود (سریع‌القلم و همکاران، ۱۳۹۲).

از سوی دیگر با توجه به تحولات جهانی و حمایت سازمان‌های بین‌المللی از نهادسازی مدنی در کشورها، نهاد‌های دولتی و حکومتی به حمایت از فرایندهای نهادسازی مدنی برای توسعه و در قالب سمن‌ها پرداخته‌اند.

از دیدگاه بنیاد توسعه پایدار ایران، دولت‌ها و مجلس‌های توسعه‌گرا دارای نه ویژگی بارزند:

۱. بهره‌گیری از خرد جمعی در فرایندهای تصمیم‌گیری و قانونگذاری کشور در بستر فعالیت‌های پویای احزاب و چرخش نخبگان.
۲. در نظر داشتن منافع مالی و خیر عمومی در فرایندهای طراحی و اجرای سیاست‌های کلان کشور.
۳. سامان‌دهی نظام سیاسی کشور به طوری که انضباط اقتصادی به مقدار بیشینه و بی‌ثباتی سیاسی به حد کمینه برسد.

شورش‌های سازمانی، بی‌تفاوتی و مشارکت نکردن در رویدادهای انتخاباتی و مناسبت‌های سیاسی- اجتماعی و به چالش کشیدن مشروعیت بین‌المللی نظام، نهادسازی مدنی توسط نخبگان خیرخواه و کنش‌گران میهن پرست برای توسعه ایران در قالب ایجاد سازمان‌های مردم نهاد.

در نهایت نیز دولت‌ها و مجلس‌های غیر توسعه‌گرا در واکنش به اقدامات استراتژیک و قهرآمیز طبیعت و تلافی جویانه مردم، پاسخ تهری از نگرش‌های خردورزانه را در دستور کار خود قرار می‌دهند (برارپور و کلاتر، ۱۳۸۵).

### یادداشت‌ها

1. Happiness Index
2. Human Development Index
3. Gender Development Index
4. Gross Domestic Product
5. Gender Gap Index
6. Ecological footprints
7. Surplus Natural Capacity of Land Production
8. Sustainability Environment Index
9. Environmental Performance Index
10. Environmental Vulnerability Index
11. Brain Drain
12. Brain Waste
13. Renter
14. Vandalism

میراساز دولت‌ها و مجلس‌های غیر توسعه‌گرا نسبت به سرمایه‌های طبیعی، چهار اقدام استراتژیک و قهرآمیز را در دستور کار خود قرار داده که عبارتند از: فعالسازی گسل‌ها و تحمیل زمین لرزه به نقاط مختلف کشور، تحمیل سیل و ارسال سیلاب به پیاده‌روها و متروی کلان شهرها از یک سو و بالا بردن دمای کره زمین و تحمیل تغییرات اقلیمی به کشور به واسطه خشکاندن دریاچه‌ها و رودها و بلعیده شدن سفره‌های زیرزمینی به عنوان شاه‌رگ‌های حیاتی کشور با عاملیت مردم، ارسال ریزگرد از بیابان‌های فراسوی مرزها به مناطق روستایی، شهری، و کلان شهرهای کشور و تحمیل وارونگی و آلودگی هوا بر شهرهای صنعتی و کلان شهرها، تحمیل انواع عدم قطعیت‌ها و دیگر رویدادهای پیش بینی نشده طبیعی چون بهمن و طوفان ... (حیدری ۱۳۹۲).

حال مردم به عنوان بازیگر سوم و در واکنش به استراتژی‌های هشت‌گانه دولت‌ها و مجلس‌های غیر توسعه‌گرا و در خلاف جهت یا گاهی در جهت حمایت از همبازی خود یعنی طبیعت، شش اقدام استراتژیک تلافی جویانه را در دستور کار قرار می‌دهند که عبارتند از: اعتراض عمومی توسط عامه مردم و نافرمانی مدنی نهادینه شده توسط تشکل‌ها (سمن‌ها و اصناف)، تاکید بر آرای موسوم به آراء از سر لجبازی در چرخش‌های سیاسی، مهاجرت سرمایه‌های هوشمند و ژن‌های برتر به کشورهای توسعه یافته، ستیزه جویی یا دولت ستیزی و

### فهرست منابع

برارپور، ک. ۱۳۸۵. فوریت، ضرورت و اهمیت ایجاد تحول و توسعه پایدار در کلاردشت، مجموعه مقالات اولین گفتمان نیم روزه توسعه پایدار در کلاردشت.

برارپور، ک. و کلاتر، س. ک. ۱۳۸۵. ارزیابی پایدار توسعه در منطقه کلاردشت. چهارمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت.

بهرامی‌پاوه، ر. مرصوصی، ن. و صلاحی اصفهانی، گ. ۱۳۹۰. توسعه پایدار شهری (جغرافیا). انتشارات دانشگاه پیام نور. ۲۰۸ ص.

حیدری، ج. ۱۳۹۲. مبانی و مفاهیم توسعه پایدار و توسعه پایدار شهری. انتشارات آذرخش. ۲۲۶ ص.

حیدری، ع. سرمایه انسانی در ایران (۱۳۸۴-۱۳۹۲). فصلنامه سیاست، دوره ۴۶، شماره ۴، صفحات ۸۸۰-۸۶۱.

سریع‌القول، م. اطاعت، ج. دژپسند، ف. دینی ترکمانی، ع. صرافی، ف. و محمودی، ب. ۱۳۹۲. مبانی توسعه پایدار در ایران. انتشارات علم. ۳۴۸ ص.

سلیمانپور، ش. ۱۳۸۵. کلاردشت و بحران توسعه پایدار. مجموعه مقالات اولین گفتمان نیمروزه توسعه پایدار در کلاردشت.

شرزه ای، غ. و زادگان هه ژار، ا. ۱۳۹۰. برآورد اثر بازگشت افزایش کارایی انرژی در ارتباط با مصرف خانوارها و انتشار دی اکسید کربن در ایران، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، دوره ۸، شماره ۳۰، صفحات ۳۳-۶۱.

فنی، ز. ۱۳۸۲. شهرهای کوچک، رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای، تهران: سازمان شهرداری‌های کشور.

فنی، ز. ۱۳۹۳. توسعه، پایداری و جهانی شدن. مرکز ملی جهانی شدن. تهران.

میدوس و همکاران. ۱۳۸۷. محدودیت‌های رشد، ترجمه علی حبیبی و فرزاد پوراصغر سنگاچین، انتشارات موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.

نبوی، س. ا. ۱۳۹۰. ایران و دولت توسعه گرا؛ (۱۳۵۷-۱۳۲۰). پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۳ (۲۳). صفحات ۱۸۷ تا ۲۲۴.

وردی‌نژاد، ف. و کریمی آشتیانی، ح. ۱۳۸۷. شناخت محیط زیست و آمایش سرزمین، انتشارات مدیریت شهری، تهران.

Harris, F. 2004. Global Environmental Issues, Pub John Willy and Sons, Australia. –Morgan, J. 2001. Development, globalization and sustainability, nelson thrones, London.

Human Development Report. 2015. United Nations Development Programme (UNDP).

National Footprint Accounts. 2016. Open Data Platform. Global Footprint Network.

Ng, Y-K. & Wills, I. 2006, Welfare Economics And sustainable Development, Unesco-Eolss.

UNDP. 1997. Gov. For saustainable human development, A UNDP policy document.

UNDP .from 1990 to 2009. Human Development Report 1990 to 2009, New York: Oxford University Press.

UNDP .2005. Human Development Report 2005; International cooperation at a crossroad, New York, United Nations Development Program.

UNITED NATIONS .2006. Trends in Sustainable Development, New York, United Nations, Department of Economic and Social Affairs.

Wackernagel, M. & Rees, W. E. 1996. Our Ecological Footprint: Reducing Human Impact on the Earth. New Society Publishers, Gabriola Island, British Columbia, Canada. German edition with updated data, 1997. Birkhauser, Basel, 1997.

World Bank. 2015. World Development Indicators 2015. Washington, DC: World Bank.